

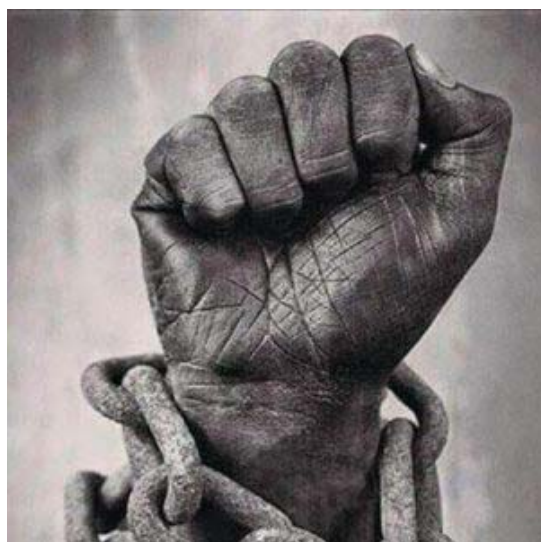
ستون اول:

## نقش و جایگاه جنبش کارگری در اوضاع سیاسی ایران

هر ناظر و تحلیل گر اوضاع سیاسی ایران علیرغم هر دیدگاه و وابستگی طبقاتی، نمی تواند منکر این واقعیت شود که جنبش کارگری بزرگترین، پیگیرترین، سازش ناپذیرترین، اراده مندترین و آشکارترین جنبش اعتراضی در جامعه ایران در برابر رژیم و بورژوازی بوده است. این واقعیت را به سادگی می شود از روی کیفیت و کمیت و گسترش و میزان مبارزات کارگران در سالی که گذشت مشاهده نمود. این مبارزات بسیار فراتر از آنچه در رسانه های رژیم به ناچار بازتاب داده شده است، به صورت روزمره برای افزایش دستمزد، برای دستیابی به دستمزدها و حقوق های پرداخت نشده، برای برخورداری از حداقل امکانات ایمنی و بهداشتی، علیه بیکارسازی، علیه شدت یابی استعمار، علیه فساد، علیه تخریب جامعه، علیه دستبرد کارگزاران سرمایه در قانون کار، علیه بیداد سرمایه و حکومتش به اشکال مختلف از اعتصاب گرفته تا همایش، تظاهرات خیابانی و تحصن در مقابل ارگان های حکومتی و ... پیش رفته است.

گزارش های مربوط به جنبش کارگری از اول ماه می ۱۳۹۵ تا کنون نمودار زیر را در برابر می گذارند که یورش های اقتصادی و سیاسی طبقه سرمایه دار و حکومت بورژوازی، به تمامی عرصه های زندگانی و طبقاتی کارگران، بهره کشی و تشدید استعمار، و خشونت آشکار در سرکوب طبقاتی است.

شلاق بیدادگاه های جزایی ۱۷ کارگر مبارز و فعال اعتصاب معدن طلای آق دره، در سال ۹۵ محاکمه که برپایه قانون مجازات اسلامی هر



اطلاعیه کمیته مرکزی  
حزب کمونیست ایران  
به مناسبت اول ماه مه  
روز جهانی کارگر



اهمیت اول مه  
در مبارزه طبقاتی



اوج گیری روند  
بیکار سازی و ضرورت  
سازمانیابی بیکاران



خطابیه  
النور مارکس  
در روز جهانی کارگر



پلمپ مرکز جمعیت  
دفاع از کودکان  
کار و خیابان



## جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می شود!

سردبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هئیت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

\* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.

\* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.

\* مسئولیت مطالب جهان - نشریه است.

\* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.

\* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴ با سایز ۱۲ است.



این فرایند، نشان از رشد نسبی آگاهی سیاسی و بیداری کارگران دارد. چنین اوضاعی تنها چهره نمای سال گذشته نیست. با روی کار آمدن حکومت اسلامی در سال ۵۷ تاکنون مبارزه کارگران با سرمایه داران و رژیم حامی آنها بر همین منوال بوده است و علیرغم سرکوب سیستماتیک رژیم و فشار و زندانی کردن و شلاق زدن فعالین و پیشروان جنبش کارگری، این مبارزه دمی از حرکت باز نایستاده است.

اگر چه جنبش کارگری پتانسیل و نقش برجسته ای در مبارزات ضد سرمایه داری و رژیم در اوضاع سیاسی ایران داشته است، اگر چه نمی توان دیوار چینی بین مبارزات صنفی کارگران با مبارزات سیاسی آنان کشید، اگر چه این جنبش نسل نوینی از رهبران و پیشروان پیشناز و رزمنده را پرورش داده که به چهره های شناخته شده حتی در سطح جهانی تبدیل شده اند و با جسارت در درون زندانها، رژیم را به چالش گرفته اند، ... اما این جنبش برای اینکه بتواند مهر طبقاتی خود را بر روند اوضاع سیاسی بزند و گام های مطمئن تری برای تثبیت دستاوردها و حرکت به سوی کسب قدرت سیاسی بردارد، هنوز کاستی هایی دارد.

رفع این کاستی ها به سازمانیابی این جنبش و برخورداری از ارگان های مستقل و توده ای و طبقاتی در محل کار و زیست کارگران بستگی دارد. این جنبش باید به سوی سیاسی شدن بیشتر، و بر مبارزات سراسری و فرا صنفی خویش نیز پشتوانه گیرد، این جنبش باید پیشناز جنبش های اجتماعی موجود در جامعه باشد و علاوه بر همه ی این ها، باید به تحزب یابی کارگری به عنوان ستاد رهبری کننده مبارزاتش روی آورد.

در سال های اخیر حرکت های ارزشمندی در این راستا از سوی فعالین و پیشروان جنبش کارگری برداشته شده است و بصورت همکاری تشکل های موجود کارگری و قعطنامه های مشترک از جمله در مورد دستمزدها و اول ماه مه خود را نشان داده است. بزرگداشت اول ماه مه امسال فرصتی دیگر برای نهادهای کردن روش ها و رویکردهای پیش برنده و پیشناز جنبش کارگری است.

جهان امروز

یک به ۳۰ تا ۱۰۰ ضربه شلاق و جزای نقدی محکوم شدند، حکم اسلامی سرمایه دارانی است که با هیچ بربریتی قابل قیاس نیست. این شمشیر مجازات اسلامی همچنان بر فراز سر کارگران در چرخش است و فرود آمدن ضربات شلاق بر گرده کارگران اعتصابی و مبارز آق دره، شلاق حکومت بر گرده طبقه کارگر بود. «اخلال در نظم عمومی» یعنی نظم سرمایه و حکومت طبقاتی اش، اتهام کارگران ایران است، زیرا که بازداشت های سراسری، سیاست پیشبرد اقتصادی سیاسی را مشروعیت می بخشد.

بیکارسازی ها و هجوم به دستمزدها، دو تیغی یک «ذوالفقار» است. سرمایه داری و رژیم سیاسی آن، تنها با تشدید خشونت مستقیم و آشکار و سرکوب نبود که ارزانترین بهای نیروی کار را برآورده می سازد؛ این روش وحشیانه ترین استثمار ممکن را برقرار کرده تا جاذبه ای برای سرمایه گذاران باشد. تخریب تولید و طبقه کارگر، پی آمد رویکرد باندهای حکومتی و شرکایشان در رانت خواری، سوداگری، دلالی و ... بوده است.

در این فرایند، «پتروشیمی بندر خمینی» هزار کارگر و در استان اصفهان ۱۸۰۰ کارگر اخراج و بیکار شدند. به گفته رئیس اتاق بازرگانی اصفهان در ۶ ماه اول سال ۹۵، ۱۵ هزار کارگر اخراج شدند. بنا به گزارش رئیس اتحادیه فخران تهران (تولید آجرهای ساختمانی و سفالی) نیمی از کارگاه های این بخش تعطیل (۱۵۰ کارگاه) و نیمی دیگر با یک پنجم گنجایش کار می کردند و نیروی کار در این واحدها از ۳۰ هزار به ۲ هزار نفر رسیده است. مرتضی معدنچی خبر داد: «متأسفانه اصناف در پسابرجام هم با وجود اهداف رفع رکود که دولت در برجام دنبال کرده است، زیر آوار رکود قرار دارند.» ۳۳ درصد واحدهای صنعتی سمنان (۶۲۱ واحد از مجموع ۱۷۹۲ واحد) تعطیل است. ۳۰ درصد کل نیروی کار نساجی ها اخراج شده اند. و گزارش، تسنیم سایت سپاه سرمایه، ۷۰۰۰ واحد صنعتی راکد و ۲۰۰۰ واحد نیمه فعال بوده اند. این ها تنها نمونه هایی اند از صدها نمونه.

اما روی دیگر این تصویر طبقاتی، گسترش و فرارویی اعتراض های طبقاتی کارگران را شاهد بوده ایم. حضور خانواده ها در همایش های اعتراضی و همراهی آن ها با کارگران شاخص دیگری از مبارزه طبقاتی در سال گذشته است.

نمونه های شرکت واحد، پارسیلون، پلی اکریل، هیکو، معدن قلعه زری، خطوط لوله پالایشگاه گاز، آرتا سیمان و فولاد اهواز و ... در شمار این همبستگی مبارزاتی و حضور توده ای می باشند. کارگران با پرچمها و پلاکاردهای مستقل خود وارد خیابانها شدند و با شعارهای اقتصادی، سیاسی و رادیکال، افق های جدیدی را فراروی جنبش طبقاتی کارگران گشودند.

تماس با  
کمیته تشکیلات دلائل کشور  
حزب کمونیست ایران

h.faalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۴۵۹۷۵۲۱۵۵۱

۰۰۴۶۷۳۷۲۷۶۷۶۹

۰۰۴۶۸۷۱۰۸۵۲۵

تماس با کمیته تشکیلات  
دلائل کومه له (تفکشی)

takesh.komalah@gmail.com



## اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر (۲۰۱۷)

برای یک سال دیگر رسمیت بخشید. اما نه تنها این تلاش ها بلکه ضرب و شتم کارگران معترض، بگیر و ببند فعالان آن و شلاق زدن آنان هم نتوانسته است جلو روند رو به گسترش اعتراضات کارگری را سد نماید. موقعیت عینی جنبش کارگری و در ماندگی رژیم اسلامی در پاسخگویی به مطالبات طبقه کارگر، دور نمای برآمد جنبش کارگری را به روی جامعه ایران گشوده است. فعالان و پیشروان کمونیست جنبش کارگری لازم است با حضور فعال در مبارزات جاری برای دوره اعتلای جنبش کارگری نیز خود را آماده کنند. در غیاب این آمادگی و در غیاب هژمونی انقلابی و سوسیالیستی، این نگرانی وجود دارد که طبقه کارگر نتواند مهر طبقاتی خود را به تحولات سیاسی آتی بکوبد و باز طبقه سرمایه دار بتواند با آرایش سیاسی دیگر پا بر دوش طبقه کارگر و با تحمیل شرایط فلاکت‌زاتر، به حاکمیت خود ادامه دهد. فعالان سوسیالیست جنبش کارگری لازم است با افق و نقشه راه روشن و با پاسخگویی به نیازهای مبارزه عملی و سیاسی کارگران، این جنبش طبقاتی را در راستای سیاست های سوسیالیستی به جلو سوق دهند.

در شرایط کنونی دخالت فعالانه در مبارزات جاری و جنبش مطالباتی کارگران و تلاش برای به هم مرتبط کردن مبارزات آنان از مهمترین اولویت فعالین و پیشروان جنبش کارگری است. دامن زدن به این اعتراضات تنها راه واقع‌بینانه برای بستر سازی و کمک به ایجاد تشکل های طبقاتی و توده ای کارگران است. فعالین سوسیالیست جنبش کارگری با حضور فعال و کاردانی خود در جریان پیشبرد این مبارزات است که می توانند توجه شمار هر چه بیشتری از فعالین پیشرو جنبش کارگری را به ضرورت تحزب یابی کمونیستی کارگران جلب نمایند. بحث حول تحزب یابی کارگران لازم است حول مبانی اصولی استراتژی سوسیالیستی که انقلاب اجتماعی و گام نهادن در راه سازماندهی اقتصاد سوسیالیستی را امر طبقه کارگرسازمانیافته می بیند متمرکز شود.

اکنون که در آستانه اول ماه مه برابر با ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی جهانی طبقه کارگر قرار گرفته ایم و تلاش برای برپا داشتن اجتماعات کارگری در اول مه، در دستور کار و فعالیت پیشروان جنبش کارگری قرار گرفته است، دوره تدارک برگزاری مراسم و آکسیونهای اول ماه مه در همانحال فرصتی است برای بحث و گفتگو حول همین معضلات و چه باید کردهایی که پیشروی جنبش کارگری و سوسیالیستی ایران قرار گرفته است.

کارگران ایران در قطعنامه های خود در روز اول ماه مه لازم است ضمن مردود اعلام کردن حداقل دستمزد ۹۳۰ هزار تومان تعیین شده از جانب شورای عالی کار رژیم، بر خواست افزایش دستمزد چهار میلیون تومان در ماه و متناسب با تأمین هزینه یک زندگی انسانی تأکید کنند. کارگران لازم است اعلام کنند که مبنای تعیین دستمزدها نه خط فقر بلکه باید خط رفاه کارگران باشد. کارگران در این روز لازم است بر مطالبه آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالین کارگری در بند، تأمین بیمه بیکاری مکفی برای کلیه افراد آماده بکار، برچیدن شرکت های پیمانکاری، تأمین ایمنی محیط کار، ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر

امسال کارگران ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی و انترناسیونالیستی خود می روند، که مدتی است جار و جنجال تبلیغاتی رژیم اسلامی برای برگزاری مضحکه های انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا آغاز شده است. در آستانه اول ماه مه و در هنگامه این نمایش انتخاباتی صفوف رژیم از همیشه آشفته تر به نظر می رسد. بعد از پایان جنگ ایران و عراق و قتل عام زندانیان سیاسی و اجرای برنامه های ریاضت اقتصادی رفسنجانی، نه خاتمی اصلاح طلب که با شعار اشتغال زایی و توسعه سیاسی و دیالوگ تمدن ها روی کار آمد، نه احمدی نژاد اصول گرا که با وعده مبارزه با فساد و کوتاه کردن دست آقازاده ها از منابع قدرت و آوردن پول نفت بر سر سفره مردم بینوا به دفتر ریاست جمهوری راه یافت و نه روحانی اعتدال گرا که قرار بود از طریق "سازش قهرمانانه" با غرب چرخ زندگی مردم را به حرکت در آورد، هیچکدام نتوانسته اند جزئی ترین بهبودی در شرایط کار و زندگی مردم ایجاد کنند. در دوره روحانی معضل فقر و بیکاری ابعاد فاجعه باری پیدا کرده است، شمار اعدام ها در مقایسه با دوره احمدی نژاد سی در صد افزایش پیدا کرده و بگیر و ببند فعالان جنبش های اجتماعی تشدید شده است، حدود ده میلیون خانوار ایرانی درگیر معضل اعتیاد هستند، ابعاد مرگ و میر در اثر حوادث محیط کار و ناامن بودن جاده ها رکورد های جهانی را پشت سر گذاشته است، آلودگی هوا در تهران و اهواز و برخی دیگر از کلان شهرهای ایران به مرز بحرانی رسیده است و "سازمان شفافیت بین الملل" در تازه ترین ارزیابی های خود رژیم جمهوری اسلامی را در ردیف فاسد ترین رژیمهای جهان قرار داده است. روحانی با این کارنامه قرار است رقیب اصلی ابراهیم رئیسی از عاملان اعدام های دهه شصت و از کارگزاران دستگاه قضائی ضد مردمی در دوره های مختلف سرپرست یکی از بنیادهای غارتگر و استثمارگر جمهوری اسلامی، در نمایش انتخاباتی پیشارو باشد. در واقع هیچکدام از جناح های حکومتی با کارنامه جنایتبارشان برنامه ای برای عبور از اوضاع فاجعه بار کنونی ندارند. کادر رهبری سپاه پاسداران و خامنه ای با آگاهی به این واقعیت که مردم ایران همه جناح های حکومتی را آزموده اند، برای مهندسی کردن این نمایش انتخاباتی و کشاندن مردم به پای صندوق ها سراسیمه شده اند.

کارگران ایران نه تنها به این اوضاع فاجعه بار تمکین نکرده اند، بلکه به مبارزات خود ابعاد تازه ای بخشیده اند. اعتراضات گسترده علیه عدم پرداخت حقوق های معوقه، اعتراض علیه بیکارسازی های پی در پی، اعتراض علیه پایین بودن سطح دستمزدها و شرایط ناامن کار فقط عرصه هایی از مبارزه بوده اند که نشان می دهد کارگران برای بهبود شرایط کار و زندگی خود، از پا ننشسته اند. افزایش آمار اعتراضات و اعتصابات کارگری و شمار کارگرانی که در این اعتراضات شرکت کرده اند و طولانی تر شدن مدت زمانی که کارگران در اعتراض و اعتصاب بسر برده اند، نشانه های بارز روند رو به رشد جنبش کارگری است. دولت روحانی برای تشویق سرمایه داران داخلی و خارجی به سرمایه گذاری در عرصه تولید تلاش کرد با جراحی کردن همین قانون کار ضد کارگری کوچکترین مجرا برای هر گونه مانور و تحرک کارگری در چهارچوب قانون را مسدود کند، با حربه قانون دستمزد چهار مرتبه زیر خط فقر را

فریدون ناظری

## اهمیت اول مه در مبارزه طبقاتی

این روز جهانی را بزدايند. در بلوک شرق (از جمله در شوروی قدیم) و چین این روز به صورت نمایش سلاح ها و قدرت نظامی در آمد. سوسیال دموکرات ها از آنها مراسمها و جشن های بی خاصیت ساختند.

لازم است در این روزهای منتهی به اول ماه مه و با توجه به وضعیت اسفبار معیشتی طبقه کارگر و ضعف سیاسی آن توجه به ویژگی طبقاتی و انقلابی روز جهانی کارگر را بیشتر کرد. برای موفقیت در تبلیغ درست این امر باید در کنار اشاره به مصائب گریبانگیر طبقه کارگر نقطه قوت های آن برای پیشروی را برجسته نمود.

روز جهانی کارگر یکی از میزان الحراره های تناسب قوای طبقاتی است. لازم است در این روزها با واقع بینی ضعف های مبارزات کارگری و کمونیستی را به رسمیت بشناسیم و راه حل های مشخص ارائه دهیم. برای اینکار درک مشخص و دقیق از روندهای سیاسی، اقتصادی و طبقاتی موجود ضروریست.

در این شکی نیست که طبقه سرمایه دار، دولت های آن و اندیشمندان راه حلی برای رهایی از بحران موجود نیافته اند. همین امر سبب آشفتگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها شده است. درست است که کلان سرمایه داران و مجتمع های عظیم سرمایه داری در قبال بحران اخیر فرجه تر شده اند، اما بسیاری از همین سرمایه داران مولتی ملیونر و میلیاردر، دستگاههای دولتی و امنیتی و اتاق فکرای بورژوازی از تداوم وضع موجود ابراز نگرانی شدید کرده اند. آنها بیکاری گسترده، نقش نوآوری فنی در تخریب شغل ها، دستمزدهای پائین، سیاست ریاضت اقتصادی، نابرابری نجومی، قروض دولتی کوه آسا و نظایر آنها را بانی خشم شدید طبقه کارگر میدانند، اما توان بهبود اوضاع را ندارند. به نظر نمی رسد گردش دولت ها به "راست تر" و فاشیسم، مثل دهه سی و چهل، بتواند راه گشای جنگی جهانی و دررفت از بحران باشد. در چنین شرایطی طبقه کارگر باید به تقویت خودآگاهی و خود سازماندهی پردازد. از آنجا که برون سپاری های گسترده در آمریکا و اروپا،

و ایجاد و گسترش شرکت های

اول مه، روز جهانی کارگر، ریشه در اعتصابات و مبارزات عظیم کارگران آمریکا در ماههای منتهی به ماه مه ۱۸۸۶ در شیکاگو دارد. شعار اصلی و مشترک این مبارزات گسترده و فداکارانه ۸ ساعت کار در روز بود. در شرایطی که کارگران بین ۱۰ تا ۱۶ ساعت در روز کار میکردند تحقق این شعار فواید همه جانبه برای کارگران میداشت. به عنوان مثال ساعات کار طولانی در شرایط فقدان و یا کمبود وسایل ایمنی به فراوانی موجب مرگ، جراحات و ناقص العضو شدن کارگران مرد، زن و کودکان میگردد. به همین جهت ۸ ساعت کار در روز در عین حال که کشیدن شیره زندگی و طراوت کارگران، یعنی مرگ تدریجی بود، مسئله مرگ فوری آنها نیز به حساب می آمد. اما مطالبات اصلی بسیار فراتر از این خواست می رفت. کارگران در کنار این مطالبه مهم مطالبات سیاسی، انترناسیونالیستی و انقلابی نیز داشتند که در شعارهایی نظیر "زنده باد انقلاب سوسیالیستی" و "کارگران مسلح شوید." منعکس بود. مهمتر از همه اینکه مطالبات کارگران در دفاعیات قهرمانانه رهبران آنها (آگوست اسپایز، مایکل شوآب، ساموئل فیلدن، آلبرت پارسون، آدولف فیشر، جرج انگل، لوئی لینگ و اسکار نیب.) که طی یک توطئه ضد انسانی دستگیر و دادگاهی شدند شنیده شدند. ۴ تن از این رهبران (آگوست اسپایز، آلبرت پارسونز، آدولف فیشر و جرج انگل)، که به طرزی جنایتکارانه اعدام شدند و یادشان الهامبخش است، در دفاعیات شجاعانه خود به صراحت خواستار سرنگونی سیستم سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم گردیدند.

از سال ۱۸۹۰ میلادی که کنگره انترناسیونال کمونیستی روز اول ماه مه را به عنوان روز جهانی کارگر اعلام نمود، تلاش بورژوازی در جهت از بین بردن محتوای ضد سرمایه سوسیالیستی و انترناسیونالیستی اول ماه مه متمرکز بوده است. گرچه به جز ایالات متحده آمریکا، کانادا و چند کشور کوچک بقیه کشورها در نتیجه انقلابات و مبارزات روز جهانی کارگر را به رسمیت شناخته اند، اما دولت ها، با سلطه کامل سرمایه داری بر جهان، کوشیده اند مضمون سیاسی و انقلابی

۱۸ سال، آزادی بیان، آزادی تشکل، تحزب، اعتصاب، آزادی قلم، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، جدائی دین از دولت و پایان دادن به تبعیض جنسی علیه زنان و تأمین برابری زن مرد در کلیه عرصه های زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تأکید کنند.

کارگران در روز کارگر لازم است با صدای رسا اعلام کنند که از آنجا که هیچ یک از مطالبات اقتصادی و سیاسی کارگران و مردم ستمدیده ایران که سال ها برای آن مبارزه کرده اند تحت حاکمیت هیچکدام از جناح های حکومتی متحقق نخواهد شد، در نمایش انتخاباتی رژیم شرکت نمی کنند. رفتن به پای صندوق های رأی، عملاً به معنای تبدیل شدن به نیروی ذخیره جنگ و دعوای جناح های حکومتی بر سر چگونگی تأمین منافع سرمایه داران و تضمین بقاء رژیم است و هیچ نفعی برای کارگران در بر ندارد. کارگران در ادامه صحنه های پر شوری که در جریان مبارزات حق طلبانه خود بر پا کرده اند، نه با رأی دادن به گزینه بد در مقابل بدتر بلکه فقط با نرفتن به پای صندوق های رأی می توانند موقعیت مناسبتری را برای تداوم مبارزات خود فراهم آورند.

از آنجا که اصلاح طلبان و اعتدال گرایان حکومتی با لانه کردن در نهادهای ضد کارگری مانند خانه کارگر، شوراهای اسلامی و یا انجمن های صنفی می خواهند از برگزاری اجتماعات زرد و فرمایشی در روز کارگر به عنوان فرصتی برای بازار گرمی نمایش انتخاباتی رژیم و به بیراهه بردن کارگران استفاده کنند، این اجتماعات زرد دولتی باید قاطعانه تحریم شوند.

حزب کمونیست ایران با ارج نهادن به مبارزات حق طلبانه و پر شور کارگران و قدردانی از همه فعالیت هایی که برای برگزاری مراسم و تجمع های روز جهانی کارگر در جریان هستند، اول ماه مه این نماد همبستگی شورانگیز طبقاتی و انترناسیونالیستی طبقه کارگر را به همه کارگران تبریک می گوید. حزب کمونیست ایران از همه فعالان جنبش زنان، از معلمان مبارز، از فعالان مدافع حقوق کودکان، از فعالان جنبش مدافع محیط زیست و همه انسان های مبارز می خواهد با شرکت در تجمع های کارگری در روز اول ماه مه از مطالبات بر حق کارگران حمایت کنند.

زنده باد اول ماه مه

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

فروردین ۱۳۹۶ آوریل ۲۰۱۷



پیمانکاری نیروی انسانی طبقه کارگر را از درون متفرق تر از پیش کرده و تشکل های سندیکایی تاب توان مقاومت در مقابل حملات سرمایه را ندارند باید دو تشکل حزبی و شورایی را در این دوره برجسته کرد. در کنار اینها شناسائی نقاط مثبت و منفی بدیل های ارائه شده در مقابل سرمایه داری بحران زده را شناساند.

در میان دو تشکل شورایی و حزبی نیز باید به گسترش تشکل حزبی کمونیستی و ایجاد شاخه های آن و ایجاد احزاب جدید اولویت بخشید. لازم است از تجربه شکست خورده جنبش اشغال در چسبیدن به شورا و پرهیز آنها از حزبیّت و رد فونکسیون رهبری سیاسی درس های لازم را فراگرفت. طبعاً در سایه این امر کلیدی توجه به ایجاد و گسترش تشکل های توده ای و مدنی بسیار ضروری است. تشکل کمونیستی بر پایه و بر بستر اعتراضات و مبارزاتی شکل می گیرد که بویژه پس از همگانی شدن بحران اخیر از ۲۰۰۷/۲۰۰۸ بعد جریان داشته است. با هرچه سوسیالیستی تر کردن تشکل های حزبی و یا ایجاد احزاب ضد سرمایه و انقلابی بدون توهم به رفرمیسم و دموکراسی بورژوازی راه برای تقویت مبارزات جاری و نیرومند کردن رادیکالیسم در میان تشکل های توده ای موجود و ایجاد تشکل های طبقاتی - کارگری نوین در اشکال توده ای آن هموار تر می شود.

## اول ماه مه و جمهوری اسلامی

بلایی که طبقه سرمایه دار و دولت های آن توانست در جهان بر سر روز جهانی کارگر بیاورد در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی عمیق تر است. پس از سرکار آمدن رژیم اسلامی جدید جنبش کارگری متشکل در شوراها با خواست های مشخص به میدان آمد. شورای شرکت نفت، به عنوان قدرتمندترین شورای کارگری، شرکت دادن دو نماینده در شورای انقلاب را خواستار گردید. در سطح توده ای کارگران بیکار با شعار "یا کار یا بیمه بیکاری" و کارگران شاغل با مطالبه اداره کارخانه و مراکز کار، افزایش دستمزد و مزایا و نظایر آنها مبارزاتی طبقاتی را آغاز کردند که مبارزات همگانی و ضد دیکتاتوری بر آنها سرپوش گذاشته بود. خمینی در مقابل مطالبه "تامین یک زندگی مرفه" با "اقتصاد مال خرد است" عکس العمل نشان داد. بر همین مبنا او از برسمیت شناختن روز کارگر به شیوه آخوندی سر باز زد. با بیان اینکه "ما همه کارگریم، خدا هم کارگره" کوشید جایگاه طبقاتی کارگران را

سنت انقلابی سازمان دهندگان مراسمهای روز جهانی کارگر در ۱۳۸۳ در سقز احیا شد. تلاش برای برگزاری اول ماه مه در سقز که خود نمایانگر کمر راست کردن جنبش کارگری بود، به نوبه خود این جنبش را تقویت نمود. در نتیجه این امر جنبش کارگری صاحب تشکل های کارگری چندی شد که میشود در آن میان از "کمیته هماهنگی"، "کمیته پیگیری"، "سندیکای واحد" و "سندیکای هفت تپه" نامبرد. بازگشت به شهر مراسمهای اول ماه مه به داخل شهر تهران در سال ۱۳۸۶ دوباره نشان داد که این جنبش و مراسمهای روز جهانی کارگر مثل ققنوس نمیر است و از خاکستر خود دوباره می زاید.

لازم است تا ویژگی های روز جهانی کارگر در اول ماه سال ۲۰۱۷ (۱۳۹۶) به یاد آورده شود. امروزه سیستم اقتصادی بورژوازی دچار بحرانی شده که دائماً برای اکثریت جمعیت دنیا عمیق تر میشود. در نتیجه این امر دولت های بورژوازی نیز دچار بحرانی رو به افزایش شده اند. در چنین شرایطی متفکرین راست و چپ بورژوازی در صدد یافتن بدیلی برای بهبود وضع موجود هستند. هرچه زمان میگذرد در شرایط عدم یافتن یک بدیل افق برای بورژوازی و به عبارتی بشریت تیره تر میشود. احزاب کمونیست و چپ که دارای بدیل سوسیالیستی و انسانی هستند به دلایل گوناگون نتوانسته اند بدیل های خود را توده ای کنند. سبک کار غیر کمونیستی، ضعف پایه طبقاتی کارگری، آلودگی به گرایش سوسیال دموکراتیک (و رفرمیستی)، ضعف تئوریک و نظایر آنها البته از عوامل این ضعفند.

سال هاست ما کمونیست ها از ضرورت متشکل شدن طبقه کارگر در تشکل های طبقاتی و توده ای مستقل از دولت صحبت می کنیم. بعضی میخواهند این تشکل ها از خود احزاب کمونیست هم مستقل باشند. این امر سبب شده تا تعداد زیادی از کمونیست ها به صورت مستقل کار کنند و عضو تشکل های موجود نشوند. من معتقدم در شرایط مشخص کنونی و با توجه به تجارب حاصل از تاریخ جنبش کارگری (ایران) اولویت را باید به تحزب کمونیستی داد و در پرتو آن تشکل های توده ای - طبقاتی، تشکل های مدنی و بازگشت کمونیست ها به احزاب نزدیک به خودشان را فراخوان داد. یادآوری این واقعیت و این امر مهم در روزهای منتهی به روز جهانی کارگر گامی مهم در جهتی درست خواهد بود.

مخدوش کند و صف مستقل این طبقه نعمت آفرین را در سایه انگلان سرمایه دار، خرافه پراکنان مذهبی و نظایر آنها قرار دهد. کارگران با شرکت چندین میلیون نفری در مراسم های اول ماه ۱۳۵۸ به این آخوند دیکتاتور و رهبر استعمارگران و مرتجعین تاریک اندیش جواب دادند. در این سال فقط در تهران نیم میلیون زن و مرد در رژه روز جهانی کارگر شرکت کردند. به این ترتیب جنگی طبقاتی که بین بورژوازی ایران و رژیم خدمتگزار قبلی آن وجود داشت در دوره حکومت اسلامی حادث گردید و محل بروز آن در عین حال در مراسم های اول ماه مه خود را نشان داد.

سال بعد رژیم توانست در سایه حمله به روزنامه ها و یورش به سندج، که به جنگ قهرمانانه ۲۴ روز سندج منتهی گردید، از تظاهرات های بزرگ و برگزاری مراسمهای مستقل در اول ماه جلوگیری کند. در دهه ۶۰ نیز در گرماگرم جنگ ایران و عراق و بر پا کردن شکنجه گاهها و سلاخ خانه ها در زندان ها قادر شد بجز در سندج از برگزاری مراسم های مستقل اول ماه در سایر شهرها جلوگیری کند.

از سال ۱۳۶۵ مراسم های مستقل اول ماه مه در سندج به درون شهرها برگردانده شد. این امر در نتیجه وجود فعالین حزب کمونیست و مبارزات کارگری سراسری پیرامون قانون کار، علیه اعزام اجباری به جنگ و باج جنگی میسر شد. کمونیست های برگزار کننده مراسمهای مستقل کارگری در سندج که تا سال ۶۸ ادامه داشت توانستند در عین تدوین و عرضه یک قانون کار انقلابی جوهر ضد سرمایه، انقلابی و انترناسیونالیستی مراسم ها را به آنها برگردانند. رژیم هار اسلامی فقط با دستگیری خدعه آمیز رفیق جانباخته جمال چراغیسی، اعدام او و زندانی و شکنجه کردن تعداد زیادی از فعالین کارگری کمونیست توانست از تداوم این مراسمهای طبقاتی جلوگیری کند.

عباس منصوران

## اوج گیری روند بیکاری سازی و ضرورت سازمانیابی بیکاران



یعنی نزدیک به ۹۰ درصد کارگران بخش قطعه ساز خودرو! بیکار شده اند ایلنا می افزاید: «نهادهای دولتی مانند سازمان محیط زیست، بانک مرکزی و... بیشترین لطمه را به صنعت قطعه سازی ایران وارد کرده اند، گفت: شدت آسیب این تصمیم گیری ها حتی از موانعی که توسط تحریم های اقتصادی ایجاد شده است نیز بیشتر است.» (۱)

نجفی منش، عضو هیئت مدیره انجمن قطعه سازان خودرو در ایران، گفت: «بدون شک این وضعیت بر اشتغال کارگران شاغل در کارخانه های خودروسازی نیز تاثیر گذاشته است.» وی به بازار داغ دلان و ورشگستگی تولید داخلی روی دست مانده نیز اشاره کرده و می افزاید: «در حال حاضر هم مصرف کنندگان خودرو را با قیمت بالا خریداری می کنند و سود اصلی به جیب دلال ها می رود... در حال حاضر بازار خودروی ایران اشباع شده و ۱۶ تولید کننده و ۱۸ وارد کننده در این صنعت داریم.» و به ما نمی گوید که وارد کنندگان و تولید کنندگان مونتاژگر وابسته به کدام باند حکومتی هستند. نماینده بخش خصوصی سرمایه ی رقیب، «محمد عطاردیان»، دبیر کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی در ایران نیز به بیکار سازی «دستکم یک میلیون کارگر» اعتراف می کند: «دولت با نپرداختن اعتبارات عمرانی طی دو سال اخیر باعث بیکاری حداقل یک میلیون کارگر شده است. وی با اعلام این جنایت به ایلنا گفت: دولت از دو سال پیش حداقل ۱۲ تا ۱۵ هزار میلیارد تومان از معوقات پیمانکاران پروژه های عمرانی از قبیل راه سازی، سد سازی، احداث تونل، پل و نیروگاه، ساخت بیمارستان و سالن های ورزشی را نپرداخته است... پروژه های عمرانی کشور به حالت نیمه تعطیل در آمده و افرادی که با سمت های مختلف مهندسی، کارگر ماهر، کارگر نیمه ماهر و ساده در این پروژه ها مشغول به کار بودند به خیل بیکاران اضافه شده اند.» این کارگزار سرمایه داری، از بخش خصوصی بایان اینکه حداقل ۲ میلیون نفر در پروژه های عمرانی مشغول به کار بودند، گفت: «به دلیل بدقولی های دولت تعداد این افراد به نصف کاهش یافته است.»

صلاحیت مراجع حل اختلاف» بنا به ماده ۱۵۷ قانون کار، سرنوشت کارگران را به سرمایه داران و کارگزاران خونخواری می سپارد که با تمامی تلاش، قانون کار را سلاخی می کنند: «صلاحیت مراجع حل اختلاف صرفا در زمینه ی اختلافات فردی یا دسته جمعی بین کارگر و کارفرما یا کار آموز که ناشی از مقررات قانون کار و سایر مقررات کار است می باشد و حق ورود به سایر اختلافات آن ها را ندارند.»

بورژوازی حاکم، به این وسیله، زیر نام جنایت بار «تعدیل» یا نام مستعار بیکار سازی، یا «عقلایی سازی» تولید با شدت استثمار هرچه بیشتر، به اخراج میلیون ها کارگر دست زده است. این روند با ارزان سازی قیمت نیروی کار، با سوء استفاده از نیروی کار زنان و کودکان و کارگران مهاجر، حمله به نهادهای پیشرو و مستقل کارگری، دستگیری و شلاق به کرده کارگران، به یاری زندان و شکنجه و دار و داغ و درفش و خاموش سازی خیزش های کارگری به روند استثمار شدت بیشتری بخشیده و سود مافوق را هدف قرار داده است. حاکمیت سرمایه، با تمامی نیروی سرکوب، با سرقت عناصر زندگی بخش کار و زندگی، با برقراری و شدت بخشی به استثمار و استبداد ذاتی این مناسبات طبقاتی، با افزایش ساعات کار و شبانه و چند شیفته سازی جانفرسای کار به ویژه استثمار زنان و کودکان، بر گرده ی کارگران شاغل، بدون هیچ امنیت شغلی و بیمه و پوشش قانون کار به سود مافوق دست می یابد. گسترش مافیای مواد مخدر، سلاح، فروش زنان جوان برای بردگی جنسی و هر آنچه که تقاضایی برای خرید داشته باشد، بخش دیگری از درآمد مافیای حکومتی را بر آورده می سازند. این در حالی است که نقدینگی با رشد ۳۶ درصدی در سال ۹۵ از مرز ۱۰۰۰ میلیارد تومان فراتر رفت و اکنون به مرز یک و نیم تریلیارد تومان نیز گذشته است. در نبود آمار مستقل و کامل، ناچاریم به خود اعتراف ها و آمارهای حکومتی بنگریم تا عمق بحران از زبان کارگزاران مناسبات حاکم، مستندتر باشد.

به گزارش ایلنا، ارگان ضدکارگری، خانه کارگر، از سال ۹۱ حداقل ۱۲۲ هزار کارگر شاغل در واحدهای سازنده قطعات خودرو،

بورژوازی حاکم در ایران با همه ی جناح ها، روند ویرانگری بسیاری از رشته های تولید داخلی را به سود دلالی و رانت خواری به پیش می برد. روند به تعطیلی کشیده شدن بسیاری از مراکز تولید و اخراج و بیکار سازی کارگران در سال ۱۳۸۵ به بعد اوج بیشتری گرفت. به آماري از سال ۱۳۸۷ بنگریم: خبرگزاری ایلنا (۱۳۸۷/۱۲/۲۳) به نقل از سید حسن صادقی این عنصر چماقدار و دستیار علیرضا محبوب، از خانه کارگر اشغال شده اعتراف می کند که: «در چند ماه اخیر حدود ۳۳۰ هزار کارگر از کار اخراج شده اند.» وی افزود ۹۰ درصد کارگران اخراج شده برای استفاده از مزایای حمایتی صندوق بیمه بیکاری محدودیت دارند. در همان روزها، محمد عباسی، وزیر تعاون دولت احمدی نژاد، در یک کنفرانس مطبوعاتی در روز یکشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۸۷، جمعیت جویای کار در ایران را ۱۰ میلیون نفر اعلام کرده بود. با توجه به نرخ ۲۳/۵ میلیون نفر شاغل در ایران اعلام شده توسط بانک مرکزی و براساس گزارش واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست، در گزارش ماه ژانویه ۲۰۰۹ خود (نیروی کار ایران در سال گذشته را ۲۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر است) و براساس آمار ارایه شده از سوی وزیر تعاون دولت نهم در باره جمعیت جویای کار، می توان نرخ بیکاری در ایران را افزون بر ۴۲ درصد دانست. بنا گزارش خبرگزاری دولتی «موج» لازم به اشاره است که دستکم یازده میلیون کارگر در اقتصاد غیررسمی کشور فعالاند. این یازده میلیون، هیچگاه در محاسبات و مناسبات کار و بررسی های آماری مربوط به وضعیت نیروی کار در اشتغال رسمی به حساب نمی آیند.

حکومت اسلامی با دستبرد به برخی مواد قانون کار، از جمله ماده ۲۷، اخراج کارگران را به کارفرمایان سپرد. بنا به این دستبرد، کارفرما به بهانه «عدم رعایت ضوابط انضباطی موسسه توسط کارگر، می تواند منجر به اخراج وی شود.» نهاد حل اختلاف سرانجام به دست کارگزاران سه جانبه گرای سرمایه سپرده شد. بنا به قانون کار، اختلاف کارگری و کارفرمایی، اگر از راه سازش حل نشود قابل طرح در مراجع حل اختلاف می باشند. اما «حدود

منشا و علت همه این موارد، پدیده بیکاری و اشتغال است...» (۴)

وی که از کادربندی آموزش یافته دانشگاه و نماینده بورژوازی است، چاره را «ورود این شرکت ها [که] فرصت افزایش سرمایه گذاری خارجی، رشد اقتصادی و افزایش اشتغال برای کشور را به همراه دارد» می شمارد که از سویی «به واسطه توانمندی بالای این شرکت ها، بازار کشور به راحتی می تواند توسط آنها تصاحب شود و در این حالت شرکت های داخلی به دلیل سطح توانمندی مالی، فنی و بازاریابی پایین تر توان رقابت را نداشته و از گردونه رقابت حذف می شوند از این رو این حذف به دنبال خود کاهش فناوری بومی را به همراه خواهد داشت.» و «ممنوعیت ورود [سرمایه داران جهانی- از نگارنده] محروم کردن کشور از توانمندی های دنیا و افزایش شکاف میان توانمندی های داخلی و خارجی است؛ راه حل اصلی در مشارکت و همکاری فناورانه با شرکت های خارجی، اجبار شرکت های خارجی به انتقال فناوری به کشور به جای فروش صرف محصولات، تشویق به ایجاد شرکت های همکاری مشترک است.»

این چکیده آرزوی همه کارگزاران سرمایه است، باندی به روس و چین و باندی به اروپا و ایالات متحده آمریکا، دوران، دوران قاجار است، بخشی روسیه تزاری و بخشی دولت

فخیمه بریتانی و اتازونی را دلالتی می کنند. او به عنوان کارشناس ارشد رشته جامعه شناسی دانشگاه تهران، تا این اندازه آموزش سیاسی دیده است که برای سرمایه، کارگزار و شاگرد وفاداری باشد. او می داند ریشه بیکاری چیست، و می داند که بدون هیچ تفاوتی، سرمایه و شرکت های «خارجی» و «داخلی»، چه از آن باند سپاه، دولت، یا چین و کره و فرانسه و روس در مشارکت یا رقابت با هم، با چماق ایدئولوژی اسلام و ستم استبداد مضاعف چه جنایاتی که علیه کارگران و زنان کارگر و زنان حکومت شونده مرتکب نشده و نمی شوند! او می داند که بیش از ۹۵ درصد قراردادهای کاری، امروزه موقت است. از روزمزدی تا پیمانی و با امضای سفید و ۹۰ روزه و ۳۶۵ روزه. درحالی که این رقم در سال ۶۸، «شش درصد بوده است.» سال ۷۸ با زیر پوشش قانون کار خارج ساختن کارگاه های زیر پنج نفر شاغل که با کارگزاری دولت خاتمی، به تصویب رسیده و هر سه سال تا سال ۸۸ تمدید شد و سپس برای همیشه «این قانون موقتی با حذف بند سه سال موقتی بودن آن، همیشگی شد و چیزی نگذشت که کارگاه های زیر ده نفر نیز شامل همان هجوم اصلاحات قرار گرفتند. این

ایلنا، در تاریخ ۲۷/۰۴/۱۳۹۵ به باند رقیب اخطار داد که: مجموعه گزارش هایی در اختیار دارد که تنها با اوج گیری سیتز باندها، به آنها اشاره می شود: بخشی از این اسناد در دولت احمدی نژاد (در شهریور ۱۳۹۱) از سوی یکی از نهادهای مسئول دولتی برای ارائه به یک نهاد تصمیم گیر حاکمیتی، تهیه شده اند. «در این گزارش ... به واحدهای بزرگ تولیدی و صنعتی مشکل دار کشور پرداخته، و دلایل متعدد آن تشریح شده است. براساس این گزارش ۱۵۹۹ بنگاه و واحد بزرگ صنعتی کشور در شهریور سال ۱۳۹۱ درگیر مشکلات اساسی بوده و در آستانه ورشکستگی قرار داشتند. بدهی به نظام بانکی، انباشت محصول در انبار و فقدان تقاضا، مازاد نیروی انسانی، زیان انباشته سنواتی و



مطالبات از دولت، بخشی از دلایل بحرانی شدن وضعیت صنایع در گزارش دولت احمدی نژاد در شهریور سال ۱۳۹۱ عنوان شده است...» (۳) و از همین روی، کارگران موقت و پیمانی که بیش از ۹۵ درصد کارگران شاغل را تشکیل می دهند، خاموش تر و ستم پذیرتر از ۱۰ درصد کارگران استخدام دائم، به ناچار و نیاز زنده ماندن به خواسته های کارفرمایان تن سپار شده و اجازه می دهند تا به شدت تمام از آنان بهره کشی شود. با همین چماق بیکاری و سرکوب و جنایت است که سرمایه داران، بر شدت کار افزوده و دستمزدها را کاهش داده و همان دستمزد بخور و نمیر را ماه ها و ماه ها پرداخت نمی کنند. و از همین روی، ۸۲ هزار نفر از کارگران فولاد، سه ماه دستمزد دریافت نکرده اند.

نماینده سرمایه در مجلس ارتجاع، فریده اولاد قباد، کارگزار جناح باند روحانی - رفسنجانی، در مجلس، ۱۵/۰۴/۱۳۹۵ با اعتراف به گوشه ای از شرایط فلاکت بار زنان، ریشه ی همه مسایل جامعه را بیکاری می شمارد: «تاخیر و افزایش سن ازدواج، افزایش آمار طلاق و افزایش زنان سرپرست خانوار، گسترش و تنوع دامنه آسیب های اجتماعی به ویژه اعتیاد، خشونت

نایب رئیس کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران با اعلام اینکه اجرای بیمه کارگران ساختمانی با اعلام مجلس متوقف است و در سال جاری هنوز هیچ کارگری در این بخش بیمه نشده است، گفت: یک میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر ساختمانی شناسایی شده در کشور داریم. که ۹۰۰ میلیارد تومان بیمه این کارگران، که به دستور شورای نگهبان پرداخت نشد.» در حمایت از این جنایت باندهای حاکم به سود سرمایه، شورای نگهبان نپرداختن ۹۰۰ میلیارد تومان درآمد مالیات بر ارزش افزوده برای بیمه کارگران ساختمانی را فاقد ماهیت بودجه ای دانسته بود و طبیعی است که به سود سرمایه داران حاکم رای دهد.

لازم به یادآوری است که بنا به تصویب دولت سرمایه، در آغاز نیز «اعتبار لازم برای بیمه کارگران ساختمانی از محل جوازهای صادر شده برای پروانه های ساختمانی بود که ۲۰ درصد سهم کارفرما تامین می شد و کارگر ساختمانی باید همان سهم ۷ درصدی خود را می پرداخت.» به گزارش روزنامه حکومتی مهر، ابوالفضل فتح الهی از خردادماه سال جاری مجلس اعلام کرد که اجرای آن متوقف شود.

بنا به این اعتراف ها، نزدیک به دومیلیون کارگر ساختمانی، در بدترین شرایط ناامنی شغلی و خطر، بدون برخورداری از بیمه، و علیرغم پرداخت ۷۰ درصدی خود کارگران و ۲۰ درصدی کارفرما، از هرگونه پوشش حقوقی و بیمه ای محروم بوده و همه روزه زیر آوارها، و فروافتادن از برج ها و روی میل گرد ها به سرنیزه کشیده شدن ها، چون برگ خزان، پایمال سرمایه داران و حاکمیت می شوند.

«اسدالله محمدخانلو» دبیر اجرایی خانه کارگر (اشغالی) تاکستان بنا به گزارش ایلنا، با اشاره به تحقیقاتی که به تازگی در این نهاد دولتی انجام شده است اعتراف کرد که «سوء استفاده از کارگران با توجه به افزایش آمار بیکاری رشد یافته است.» وی به قراردادهای کوتاه مدت و سفید امضاء، تاخیر در پرداخت حقوق، اخراج و «تعديل نیروی کار» اشاره کرد و افزود: «بخش عمده ای از نیروی مولد اجتماع در شهرک های صنعتی همانند حیدریه، خرم دشت و بسیاری از کارگاه ها و واحدهای کوچک در مسیر جاده تاکستان به قزوین متمرکز شده اند... کارگران شاغل در این واحدها با آنکه دلسوزانه برای واحد تولیدی که محل کسب در آمد و تامین معاش روزانه شان است کار می کنند، فاقد امنیت شغلی هستند.» (۲)



روند، رهنمودهای سازمان جهانی کار بود و صندوق جهانی پول و بانک جهانی، تا سود و امنیت سرمایه تضمین شود. کارگران هزار هزار بیکار شدند و به لشکر ذخیره بیکاران پیوستند تا در میدان های کار به وسیله شرکت های دلال نیروی کار، بنا به نیاز سرمایه، دست چین شوند.

## فرخ بیکاری و پی آمدهای آن

پی آمد بیکاری، تنها در کارکرد اقتصادی خلاصه نمی شود، پی آمدهای ویران ساز و فلاکت بار بیکاری، فرسودگی و ویرانی جان و تن است. ضربه به شخصیت، عزت نفس کارگر، بی نانی و بی سرپناهی، اعتیاد، ایدز، خودکشی، کودکان کار و خیابان، فروش تن و جان، افزایش بیماری های واگیردار، جدایی ها و از هم پاشیده شدن کانون های خانوایی، آوارگی، مهاجرت، فروریزی اصول انسانی، بی شکیبی و شدت یابی خشونت و عصبانیت جامعه، سکنه های مغزی و قلبی و گسترش و فراوانی بیماری های روانی، قتل و انباشته شدن زندان ها و دهها عارضه و آسیب ویرانگر اجتماعی است که همانند وراثت ژنتیکی، نسلهای نسل در جان می نشینند. بورژوازی، برخوردار از سلاح لشکر افزون بر ده میلیون کارگر بیکار و ۴۰ میلیون محروم از هر شغلی، بیکاران را به سربازان داوطلب برای جنگ و جنگ ابزارها، تبدیل کرده و به هر کوره آدمسوزی و سرمایه افزایی که بخواهند روانه می سازند. آمار دقیقی از بیکاران در دست نیست. آمارهای دولتی دروغ است و کارگزاران دولت، فریبکارانه آمارها را دستکاری می کنند. بناچار به گزارش های مرکز آمار بازگشته تا لابلای دروغ بافی های دولتی، نمایی از فاجعه را پی گیری کنیم. گزارش رسمی مرکز آمار ایران، می گوید: «در سال ۹۴ بیش از ۳ میلیون و ۵۶۰ هزار نفر از هموطنان بیکار هستند. از این تعداد، ۷۶۸ هزار نفر دارای تحصیلات عالی می باشند.»

بیشترین نرخ بیکاری در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله قرار دارند که برابر با آمار رسمی کشور ۲۸.۳ درصد جوانان ۲۰ تا ۲۴ ساله بیکار

است. هرچه لایه تهی دست کارگران بیکار و ارتش ذخیره گسترده تر شود، بینوایی رسمیت بیشتری می یابد. مارکس این تناسب را، «قانون مطلق و عام انباشت سرمایه داری» می شمارد (همان بخش ص ۶۶۱) بنا به سرشت تولید سرمایه داری، شمار جمعیت کارگران، همیشه پرشتاب تر و زودتر از نیازهای ارزش افزایی سرمایه رشد می کند. آشکار است که نخسیتن و بیشترین قربانیان جنایت سرمایه داری در پدیده بیکاری، و پرتاب شدگان به کام مرگ و نیستی، کودکان، زنان، دردمندان و کسانی هستند که از نظر برده داران مدرن، نیروی کارآیی کمتری دارند.

## منابع

- ۱ - خبرگزاری ایلنا ۱۳۸۷/۱۲/۲۳ به نقل از حسن صادقی، معاون دبیرکل خانه کارگر.
- ۲ - <http://www.ilna.ir> تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۶
- ۳ - <http://www.ilna.ir> بخش - اقتصادی - ۳۹۰۵۵۶/۴ - واحد - صنعتی - بحرانی - میراث - احمدی - نژاد - برای - روحانی -
- ۴ - <http://www.irna.ir/fa/News/۸۲۱۳۸۷۳۹> و <http://roozno.com/fa/news/۲۱۱۹۳۷>
- ۵ - مارکس، کتاب سرمایه، مجلد یکم، ص ۶۶۱، ترجمه حسن مرتضوی، نشر لاهیتا، چاپ نخست، ۱۳۹۴، تهران. ■

گزارش شده اند. در این گروه سنی، نرخ بیکاری در بین مردان ۲۳.۸ درصد و در بین زنان ۴۸.۴ درصد اعلام شده است. یعنی در بین مردان، از هر ۴ نفر یک نفر بیکار است. و از ۲ نفر زن، یک نفر بیکار گزارش شده اند. شمار ۱۸ میلیون زن خانه دار محروم از کوچکترین حقوق اجتماعی، که افزون بر سه میلیون آنها بدون هیچ درآمد و پشتوانه ای سرپرست خانواده شده اند، و با مرگ دست به گریبانند. کارل مارکس نشان می دهد که «هرچه ثروت اجتماعی، سرمایه ی دست اندرکار، گستره و نیروی رشد آن، و بنابراین هرچه تعداد مطلق پرولتاریا و بهره وری کار آن بیشتر باشد، ارتش ذخیره صنعتی بزرگ تر است.» (۵) تولید سرمایه داری همراستا است با تولید اضافه جمعیت نسبی و ضرورت وجود این تولید استثمارگرانه، ناشی از ضرورت وجود ارتش ذخیره کار می باشد. به بیان مارکس در همین بخش، «بینوایی، همراه با جمعیت مازاد، یکی از شرایط وجود تولید رشد ثروت سرمایه داری است» و «هرچه ثروت اجتماعی، سرمایه دست اندر کار آن بیشتر باشد، ارتش ذخیره ی صنعتی بزرگ تر است. همان علت هایی که باعث رشد نیروی گسترش یابنده سرمایه می شوند، نیروی کار در دسترس اش را نیز رشد می دهد. بنابراین ارتش ذخیره ی صنعتی با انرژی بالقوه ی ثروت افزایش پیدا می کند.» هرچه این ارتش ذخیره، افزایش بیشتری یابد، برای سرمایه دار، ثروت بیشتر، و برای کارگر فلاکت بارتر

از سایت های حزب  
کمونیست ایران  
و کومه له  
دیدن کنید!

[www.cpiran.org](http://www.cpiran.org)

[www.komalah.org](http://www.komalah.org)

[www.tvkomala.com](http://www.tvkomala.com)







## سخنرانی النور مارکس در نخستین روز جهانی کارگر هاید پارک لندن، چهارم ماه می سال ۱۸۹۰

ما به اینجا نیامده ایم که برای احزاب سیاسی کاری یا عملی انجام دهیم، بلکه برای دفاع طبقه ی کارگر از خویش به اینجا آمده ایم، برای درخواست حقوق خود. می توانم به یاد آورم زمانی که ما بیش از ده دوازده نفر نبودیم و به هاید پارک آمده بودیم تا قانون هشت ساعت کار را درخواست کنیم، اما آن ده دوازده نفر به صدها نفر افزایش یافت و صدها نفر به هزاران نفر فزونی گرفت؛ تا اینک، امروز این همایش با شکوه را، که سراسر پارک را در بر گرفته در روبرو داریم. ما رو در روی گردهمایی دیگری ایستاده ایم. اما من شادمان از آن هستم که می بینم توده های عظیمی از مردم در جانب ما ایستاده اند. آن هایی که از میان ما، با نگرانی به اعتصاب کارگران بارانداز و به ویژه کارگران کارخانه ی گاز رفته اند، مردان، زنان و کودکانی را دیده اند که پیرامون ما را می گیرند، اعتصابها به میزان کافی شدت گرفته و ما اراده کرده ایم که هشت ساعت کار در روز را به صورت قانون در آورده و آن را تضمین کنیم؛ اگر ما چنین عمل نکنیم، در اولین فرصت چنین دستاورد و امتیازی را از ما پس خواهند گرفت و در آن هنگام باید تنها خود را مقصر بدانیم. در این بعد از ظهر، در این پارک، مردی است که آقای گلدستون او را یک بار به زندان انداخته - مایکل داویت را می گویم؛ ولی آقای گلدستون امروز بهترین روابط را با او دارد. شما فکر می کنید که دلیل این تغییر چه بوده است؟ چرا حزب لیبرال بسیار ناگهانی به یک دولت ناسیونالیست تغییر شکل یافته است؟ بسیار ساده به این دلیل که، مردم ایرلند هشتاد عضو به مجلس عوام فرستاده اند تا از محافظه کاران دفاع کنند؛ از همین روی، ما می بایست این لیبرال ها و رادیکال ها را اگر با برنامه ی ما مخالفت کردند، بیرون افکنیم. امروز من نه تنها به عنوان یک فعال اتحادیه ی کارگری، بلکه به عنوان یک سوسیالیست سخن می گویم. سوسیالیست ها برآن هستند که نخستین و مهم ترین گامی که باید برداشته شود، درخواست هشت ساعت کار در

## خطابه النور مارکس در نخستین روز جهانی کارگر

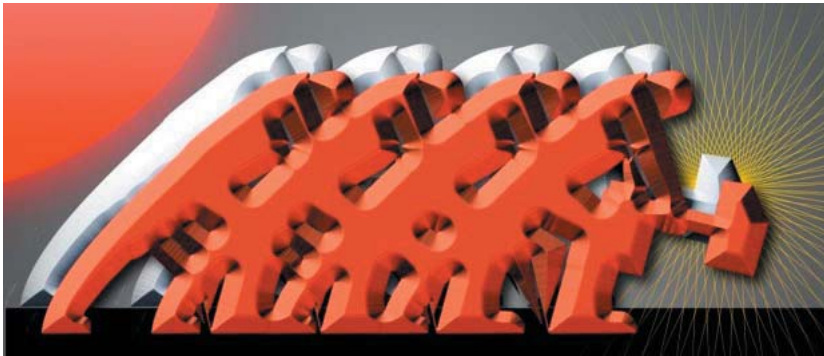
فراموش کرد که این فعالیتها از جانب او زمانی انجام می گیرد که زنان حتی حق رای نداشتند و بیش از چهار دهه لازم بود که زنان انگلیسی به خیابانها سرازیر شوند و برای برخورداری از حق رای مبارزه کنند.

بدون تردید می توان گفت که او نه تنها یک سوسیالیست انقلابی بلکه همزمان یک فمینیست کارگری و انقلابی شجاع بود. او در نقطه مقابل فمینیستهای بورژوا و یا حتا سوسیالیستهایی که به مسائل زنان بی تفاوت بودند، قرار داشت. این پیوند را بیش از همه او در کتاب "مسئله ی زن از زاویه سوسیالیزم" می شکافد. این کتاب را همراه معشوقش اولینگ که یک نویسنده و بازیگر سوسیالیست بود، به نگارش درآورد. خیانت اولینگ به او بعد از ۱۴ سال زندگی مشترک و ازدواج مخفیانه اش با یک بازیگر ۲۲ ساله شاید آن ضربه کاری بود که بعد از مرگ مادرش در سال ۱۸۸۱، خواهرش جنی در ژانویه ۱۸۸۳، پدرش در مارس ۱۸۸۳، بر او فرود آمد. در گذشت انگلس در ۱۸۹۵ آخرین رمق او را گرفت. او زمانی که ترجمه کتاب ارزشمند لیساکاره "تاریخ کمون پاریس" را انجام می داد به مثابه یکی از پرشورترین سوسیالیستهای انقلابی زمان خود، به چشم می خورد. النور در ژوئن ۱۸۸۶ در مقدمه کتاب مزبور خطاب به افکار عمومی انگلستان و در دفاع از انقلاب کمون می نویسد: اکنون هنگام آن است که آنها معنای واقعی این انقلاب را دریابند. انقلابی که می توان در چند کلام خلاصه اش کرد، کمون به معنای حکومت مردم توسط مردم و اولین تلاش پرولتاریا برای حکومت بر خودش بود. کارگران پاریس وقتی در اولین بیانیه خود اعلام کردند: "می دانند وظیفه ی مبرم و حق مسلم آنهاست که از طریق تسخیر قدرت حکومتی سرنوشت خود را در دست گیرند". آیا نمی توان گفت که این پیام النور در آستانه اول ماه مه همچنان می تواند افق پیکار پرولتاریای انقلابی جهت کسب قدرت سیاسی در جهان معاصر باشد.

■ نصرت تیمورزاده

اول ماه مه در دو قدمی ماست، می توان و باید از جنبه های گوناگون به آن پرداخت. می توان به پیروزی ها و شکست های پرولتاریای جهانی اشاره نمود، و می توان به ریز مطالبات کارگران در چهارگوشه جهان نظر افکند. می توان در ارتباط با تغییر ماهیت اتحادیه های کارگری در اکثر کشورهای متروپل سرمایه داری سخن راند، می توان اپورتونیسیم حاکم بر اکثریت بزرگی از احزابی که خود را کمونیست مینامند افشاء نمود، و می توان به پیکار پرهزینه کارگران جهت ایجاد سازمان های طبقاتی و سیاسی خود پرداخت. همه ی اینها می توانند موضوع مسائل طرح شده در اول ماه مه باشند. در این میان یادآوری خطابه النور مارکس در نخستین روز جهانی کارگر در هایدپارک لندن در چهارم ماه مه ۱۸۹۰ در مقابل بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفر آن پیامی را دارد که ۱۳۷ سال بعد از آن هنوز هم در دستور کار پرولتاریای پیکارگر قرار دارد.

النور مارکس در ۱۶ ژانویه ۱۸۵۵ به دنیا آمد و در ۳۱ مارس ۱۸۹۸ با نوشیدن زهر به زندگی خود پایان داد. او جوانترین دختر مارکس و جنی فون وستفالن بود. و به جرات می توان گفت که مارکس در او بیش از همه فرزاندانش تجلی می یافت. او نه تنها در بسیاری از موارد منشی پدرش بود ولی خود یک سازمانده برجسته، یک نویسنده تیزهوش و یک سخنگوی شجاع بسیاری از اتحادیه های کارگری از جمله اتحادیه کارگری گاز و اتحادیه کارگران بارانداز در انگلستان بود. فقر پدر باعث گردید که او در سن ۱۵ سالگی مدرسه را ترک کرده و از سن ۱۶ سالگی به عنوان دستیار رسمی پدرش در بیشتر کنفرانسهای بین المللی همراه او باشد. ازدواج او با سوسیالیست فرانسوی لیساکاره چندان دوام نیاورده و او مجددا به خانه برگشت. شکست ازدواج و بازگشت به خانه بیش از گذشته او را درگیر فعالیتهای سیاسی و بیش از همه سخنرانی و نوشتن مقالات متعدد در مورد مبارزات کارگری نمود. در واقع او آنچه را که از پدرش مارکس و همزم او انگلس فراگرفته بود در پراتیک روزانه کارگران عینیت می بخشید. نباید



من و رود و تو و چشمه  
 سرودی میشویم در مه  
 برای قله میخوانیم  
 به سوی دشت می رانیم  
 سلامی می دهیم بر گل  
 پرستو، سهره و بلبل  
 رویم با هلله، شادان  
 فراخوانیم غزلخوانان  
 شبان و دشتبانان را  
 به پای کوه، شکاربان را  
 میان مزرعه، در ده  
 صفا بخشیم تن خسته  
 رویم در کان و کارخانه  
 از این خانه به آن خانه  
 ببینیم سختکوشان را  
 و نعمت آفرینان را  
 چه قالب ریز، چه بافنده  
 مکانیک، یا که راننده  
 معلم، نرس و نازک کار  
 سپور و باربر، بیکار  
 دهیم مژده به مرد و زن  
 که آمد روز کار و فن  
 به روز کارگر یکجا  
 کنیم در شهرها غوغا  
 زنیم بر طبل و با رگبار  
 شعار، آواز آتشبار  
 بخواهیم مرگ استثمار  
 کشیش و انگل سربار  
 نص سرمایه و میهن  
 صف آخوند مستهجن  
 امید بندیم در این روز  
 شویم در رزمان پیروز  
 شکوفد غنچه در بستان  
 بجد آزاد شود انسان

## به پیشواز روز جهانی کارگر

# رزم کارگر پیروز



فریدون ناظری

روز است، اما هدف و آرمان  
 ما رسیدن به دورانی است که  
 در آن طبقه ای برای تأیید و  
 پشتیبانی دو طبقه ی دیگر وجود نداشته  
 باشد، آشکار است که در آن دوران،  
 بیکاری وجود نخواهد داشت. اما این  
 پایان کار نیست بلکه آغاز مبارزه است؛  
 تنها این کافی نیست که برای درخواست  
 هشت ساعت کار در روز به این جا  
 بیاییم و همایشی برپا کنیم. ما نباید به  
 سان مسیحیان، شش روز هفته را به  
 گناه کردن پردازیم و در روز هفتم به  
 کلیسا بشتابیم. ما می بایست همه روزه،  
 همیشه و پیوسته از هدف و آرمانمان  
 بگوییم. باید با مردان و به ویژه زنانی که  
 روبرو می شویم، آنها را برای پیوستن به  
 مبارزه ی مشترکمان آماده سازیم.

برخیزید چونان شیری که از  
 خواب نیم روز خویش، سر بر  
 می دارد  
 پرشماران شکست ناپذیر!  
 زنجیرهای تان را به مانند شبنم  
 هایی بر زمین بریزید  
 بسته اند! -  
 ما بشمارانیم - آنان ناچیزان  
 اند

منبع: النور مارکس، جلد دوم، ایوان  
 کاپ، پانتون، ۱۹۷۶



## خانه کوچک کودکان کار در آستانه روز جهانی کارگر، بسته شد!



و با سپرده های سنگین که به حساب های بانکی قاضی القضاات لاریجانی واریز شده اند، ششمین حکومت را بر فراز سر خود با تمامی جان احساس کرده اند.

این خانه، تا کنون نه از باندهای حکومتی و شهردار غرق در فساد، نه از بنگاه های مالی و مذهبی و نه از خیریه ای یارانه پذیرفته و نه تا کنون اجازه وابسته شدن و وابستگی به نهادهای بورژوازی و حکومتی را گردن می نهاد. دفتر خانه ی کودکان کار بر پاهای خود استوار بود و با شانه های خود سقف خانه را برپا داشته بود.

امید و آگاهی می بخشید، آموزش می داد، و غمخوار کودکان بود و خانه ی امن اشان. بارها مورد هجوم حکومتیان قرار گرفت، عناصری به آلودگی اش کوشیدند اما به پایگاهی برای کودکان کار و خیابان، از مهاجرین کار و آواره گرفته تا کودکان غیر مهاجر، و ۱۶ سال این چنین بود در دشواری برای پرداخت اجاره بها.

جهان امروز

حکومت سرمایه می خواهد که جسم و جان کودکان پایمال شود، که کودکان، کودکی و امید و شادی و آموزش را تجربه نکنند، تا به بسیج حکومتیان برونند، به کلاس های مغزشویی قرآن و مسجد و پایگاه های ضد مردمی رانده شوند، تا همانند ابزار کاری در خیابانها باشند، که کودکان بی حقوق بمانند و بی فریادرس و بی پناه، تا به سود انگل ها، به سود فاسدان، و به

در «هفته کارگر» ادعایی رژیم سرتاپا میلیتاریستی امنیتی حاکم بر ایران، دفتر جمعیت کودکان کار و خیابان پلمب شد. این کانون، چهاردیوار فرسوده ای بود برای هماهنگی چند خانه کودکان کار و به امور کودکان کار و رسیدگی به شماری از آنان که در توان داشت. این خانه، تا آنجا که یک انجمن مردم نهاد و مستقل از کارگزاران حکومتی در توان داشت به خانه ی امید کودکان کار تبدیل شده بود. آغاز این نهاد غیر دولتی و از این روی مردمی (متفاوت با ان جی او های ضد سازمانیابی مردم نهاد)، به سال ۱۳۷۹ بازمی گردد که پس از سه سال تلاش، در سال ۸۲ به دریافت اجازه فعالیت از دولت «اصلاحات» موفق شد. چشم انداز این جمعیت، تلاش در جهت محو کامل کار کودک، محو کامل بهره کشی و هرگونه سوء استفاده از کودکان و شرکت در تلاش برای دستیابی کودکان به حقوق و شرایط زندگی انسانی و برابر تمامی کودکان جهان است.

از آن سال تا کنون هزاران نفر از انسان ها، در شمار دانشجویان، زنان و هنرمندان و ورزشکاران و فعالین اجتماعی پیشرو و آزادیخواه، فعالین جنبش کارگری و سوسیالیستی نیز در این کارزار طبقاتی، مردمی شرکت داشته، تلاش ورزیده، بسیاری دستگیر، و زندانی شده اند،



## کمک مالی به حزب کمونیست ایران و کومه له

اعضا، هواداران و دوستداران  
حزب کمونیست ایران و کومه له!  
مردم آزاده و مبارز!

ما برای ادامه کاری فعالیت هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه های قابل دسترس تر، فعالیت هایش را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی ای شایسته انسان پیش ببرد!

ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک های مالی خود را به تشکیلات های ما در هر محلی که هستید برسانید.

جنبش کارگری در اول ماه مه، نه تنها باید بیرق مطالبات عاجل خود را برافزاد، بلکه باید با حک کردن شعار آزادی و برابری، برابری زن و مرد و رهایی زنان از قید ستمکشی، رهایی ملیت ها و مذاهب از قید ستمگری، جدائی دین از دولت، گامی سترگ در راه پیوند و همبستگی با جنبش های پیشرو اجتماعی به جلو بردارد.



# بیانیه شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر

## ایران سال ۱۳۹۶

### سال تلاش برای شکل یابی بر بستر اعتراضات کارگری

روز جهانی کارگر-یازده اردیبهشت ۱۳۹۶ برابر با اول ماه مه ۲۰۱۷- روز تاکید بر ضرورت همبستگی جهانی کارگران از راه میرسد؛ تاریخ مبارزات طبقه کارگر نشان میدهد که کارگران در هر رده و دسته و محل کاری که هستند نه تنها در یک روز خاص بلکه همیشه و هر روزه و فقط در اتحاد و همبستگی و سازمانیابی مستقل از دولت های سرمایه داری و مستقل از کارفرمایان قادر خواهند بود بر جناح ها و گروه های مختلف سرمایه داری پیروز شده و به مطالبات و خواست های طبقاتی خود دست یابند.

کارگران ایران اعم از کارگران کارخانه ها، کارگران عرصه ی آموزش (همچون معلمان)، کارگران معادن، کشاورزی، ساختمانی و عمرانی، کارگران خدماتی، کارگران عرصه های بهداشت و درمان (مانند پرستاران و بهیاران)، کارگران حمل و نقل، نانوايي ها، کوره پز خانه ها، زنان خانه دار، کارگران عرصه های فروش و توزیع، کارگران در سطوح مختلف همچون فنی و ماهر، کارگرانی که در امور هنری و یا فنی که با فروش نیروی کارشان امرار معاش میکنند، بازنشستگان، کارگران فصلی و پروژه ای و نیز کارگران بیکار، همه و همه جزوی از طبقه ی کارگرند؛ آنها برای کسب مطالبات خود، چاره ای جز مبارزه ی متحد و سازمان یافته در مقابل سرمایه داری (چه خصوصی و چه دولتی) و نیز چاره ای جز استقلال از تمام جناح های مختلف سرمایه داری اعم از اصولگرا و اصلاح طلب و میانه، یا جناح هایی با شکل های جدید و نوظهور نداشته و ندارند.

فقر و فلاکت، گرانی، تورم، قدرت خرید بسیار پایین مردم، حقوق های چندین برابر زیر خط فقر در حالی که خط فقر مبلغ چهار میلیون تومان در ماه است، سرکوب فعالین، سرکوب بیان و اندیشه و نبود آزادی های اجتماعی و سیاسی هر روز بیش از پیش چهره ی واقعی نظام استثمار و سرکوب سرمایه داری را به طبقه کارگر نشان میدهد و در عین حال تشدید بحران های این نظام را نیز نشان می دهد؛ در سالی که گذشت، اعتراضات کارگران در ایران روز به روز روندی رو به افزایش داشته است؛ با گسترش شکاف طبقاتی در جامعه ی ایران و پیاده سازی هر چه بیشتر سیاست های نئولیبرالی و ضد کارگری (منجمله خصوصی سازی و تعدیل نیرو و شرکت های واسط و پیمانکاری)، اعتراضات بیشتری انجام میشود؛ اعتصابات مختلف کارگران برای کسب حقوق های معوقه، افزایش دستمزد، علیه بیکاری و عدم امنیت شغلی، علیه خصوصی سازی، علیه شرکت های واسط و پیمانکاری، علیه عدم ایمنی در محیط های کار و دیگر اعتراضات، روز به روز در حال گسترش است. همچنین در سایر نقاط جهان اعتراضات کارگری علیه سیاست های سرمایه داری رو به رشد گذاشته است و سازمانیابی هر چه مستقل تر از سرمایه داری و کارفرماها در سراسر جهان به نیازی ضروری بدل میشود.

اجرای سیاست های اقتصادی-سیاسی ضد کارگری دولت روحانی (در

ادامه همان روندی که دولت های احمدی نژاد و خاتمی و رفسنجانی و ... داشته اند و بر اساس همان منافع و سیاست های کلی نظام، ولی هر روز با شتابی بیش از پیش) علیه هستی و معیشت ماست؛ آغاز بحث هایی مبنی بر سرمایه گذاری های خارجی در انواع بخش های تولید و خدمات بیش از هر چیز نیروی کار ارزان در ایران را نشانه رفته است. در همین راستاست که سرمایه داری جهانی برای باز کردن هر چه بیشتر راه خود برای استثمار کارگران و منابع ایران، تلاش میکند تا تشکل های حکومتی و غیر مستقل یا تشکل های آماده برای معامله و همکاری با سرمایه داری جهانی را در نهاد های مرجع و جهانی به اصطلاح کارگری به رسمیت بشناسد.

ما کارگران به خوبی میدانیم که جنگ ها، آشوب ها و کشتارهای مختلفی که در منطقه و جهان و منجمله در سوریه و عراق و افغانستان در حال وقوع است و با تامین مالی-تسلیماتی قدرت های سرمایه داری جهانی و منطقه ای و با سو استفاده از ابزارهایی چون تفاوت های قومی، ملی، مذهبی و غیره و با هزینه هایی از جیب ما کارگران صورت میگیرد، اقداماتی برای تامین و تضمین سودآوری سرمایه داری در منطقه و جهان است و برای ما کارگران تنها خانه خرابی و فلاکت و فقر و مرگ به همراه میآورد؛ بدیهی است که ما کارگران و هم سرنوشتان، باید با چشم پوشی از تفاوت های قومی، ملی و مذهبی و با تاکید بر اتحاد کارگری و طبقاتی در سطح منطقه و جهان بر علیه تمامی نیروهای اجیر سرمایه داری متحد شده و اجازه ندهیم بیش از این زندگی و هستی ما دستخوش فلاکت های ایجاد شده توسط سرمایه داری گردد.

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر ایران، برای هشتمین سال و مطابق سنت هر ساله و در آستانه ی روز جهانی کارگر امسال، ۱۱ اردیبهشت سال ۹۶ - اول ماه مه ۲۰۱۷ - این روز باشکوه را شادباش میگوید. بر اساس تجربه ی عینی در اعتراضات کارگری، و به مثابه تاکید مضاعف بر یک نیاز حیاتی، ما این سال را به سال تلاش برای تشکل یابی بر بستر اعتراضات کارگری نام گذاری میکنیم. این شورا از تمامی کارگران و گروه های کارگری برای برگزاری هر چه متحدانه تر و باشکوه تر مراسم های مستقل روز جهانی کارگر دعوت بعمل می آورد. ما ضمن اعلام حمایت از بیانیه های تشکل ها و گروه های مستقل کارگری، مهم ترین مطالبات جاری طبقه کارگر ایران را در موارد شش گانه زیر اعلام میداریم. این شورا از تمامی جریانات و افراد مدافع مبارزات طبقاتی کارگران و نیز از کارگران و فعالان کارگری میخواهد که در نشر و تبلیغ بیانیه این شورا و نیز بیانیه های دیگر گروه های مستقل کارگری و غیر حکومتی تلاش کنند:

۱- هر مقدار دستمزد دریافتی زیر مبلغ چهار میلیون در ماه، تحمیل دستمزد زیر خط فقر و تحمیل مرگ و فلاکت بیش از پیش بر ما کارگران است؛ ما ضمن حمایت از تلاش های تشکل ها و گروه های کارگری مستقل در مورد دستمزد اعلام می کنیم که تحقق دستمزد حداقل

خانواده های این عزیزان باید بیش از پیش مورد حمایت های مادی و معنوی هر چه عمومی تر اقشار مختلف در طبقه کارگر قرار گیرند. ما ضمن اعلام حمایت از این عزیزان خواستار پایان دادن به تعقیب قضایی و آزار و سرکوب و احضار کارگران و فعالین کارگری هستیم و در راه رفع این فشار و سرکوب ها تمامی تلاش خود را خواهیم کرد.

۵- ما کارگران ایران ضمن اعلام حمایت از کارگران مهاجر در ایران منجمله کارگران افغانستانی، از مبارزات کارگران در دیگر نقاط جهان حمایت کرده و همچنین خود را متعهد به پشتیبانی از جنبش های اجتماعی دیگر منجمله جنبش های مدافع حقوق زنان، کودکان (و به ویژه کودکان کار و خیابان)، جنبش دانشجویی، جنبش های مدافع محیط زیست و سایر جنبش های مترقی زیر مجموعه مبارزه ی طبقاتی میدانیم.

۶- ما کارگران اعلام میداریم که برای کسب آزادی های اجتماعی، برای لغو مجازات اعدام، برای کسب آزادی بیان و عقیده و آزادی پوشش، برای کسب حق تشکل، تحزب، اعتصاب، اعتراض و حق تجمع و نیز حق برگزاری مراسم های روز جهانی زن، روز جهانی کارگر و امثالهم که حق اساسی ما کارگران است تلاش خواهیم کرد و هر گونه برخورد و ممانعت در برگزاری مراسم های روز جهانی کارگر را محکوم مینماییم.

### زنده باد اول ماه مه و همبستگی جهانی طبقه کارگر پیش به سوی تقویت تشکل یابی بر بستر اعتراضات کارگری

شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر ایران؛ ۱۱

اردیبهشت ۱۳۹۶، اول ماه مه ۲۰۱۷

۱may.iran@gmail.com



و مناسب بر اساس سبب معیشت و یک زندگی شرافتمندانه و مطابق با استانداردهای روز، از طریق سه جانبه گرایی و شورای عالی کار به دست نمی آید و تنها با اتحاد و اعتراض سازمان یافته ی کارگری محقق خواهد شد؛ ما در این راه و همچنین علیه حداقل دستمزد فلاکت بار تعیین شده، دست از اعتراض و تلاش برنخواهیم داشت.

۲- ما کارگران در بخش های مختلف، ضمن اعلام حمایت از اقدامات کارگران و هم طبقه ای هایمان در دیگر بخش ها مانند اعتراضات معلمان و پرستاران، اعتراضات کارگران معدن، پتروشیمی و خودروسازی ها، اعتراضات علیه حقوق های معوقه و دستمزد های زیر خط فقر، علیه اخراج، علیه سرکوب فعالین و نمایندگان کارگری، علیه شرکت های واسط و پیمانکاری و اعتراض علیه نابرابری جنسیتی در محیط های کار و اجتماع، اعلام میداریم که تنها راه کسب مطالباتمان ایجاد تشکل های مستقل کارگری (و عالی ترین شکل آن یعنی شوراهای مستقل کارگری) در محیط های کارمان است؛ تشکل های مستقلی که از خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و انجمن های صنفی و به طور کلی از سرمایه داری (و از کارفرما ها و دولت) مستقل باشند.

۳- ما کارگران ایران بار اصلی تحریم ها را در سال های متوالی بر دوش کشیده ایم. آنچه قرار بود بعد از توافقات حاصل شود چیزی جز تامین منافع سرمایه داران ایرانی و خارجی نبود. ما کارگران ایران، نقشه هایی که سرمایه گذاران خارجی برای استثمار ارزان نیروی کار و منابع ما کشیده اند و نیز تلاش برای به رسمیت شناختن تشکل های وابسته ی حکومتی و یا تشکل های ظاهرا کارگری توسط نهادهای جهانی کارگری را محکوم کرده و علیه آن مبارزه خواهیم کرد.

۴- کارگران و فعالان کارگری که در راه ایجاد و یا تثبیت تشکل های مستقل در جنبش کارگری ایران و در راستای دفاع از حقوق طبقاتی کارگران مورد سرکوب حاکمیت سرمایه داری ایران قرار گرفته اند و نیز

## اول ماه مه را هر چه با شکوهتر برگزار کنیم!



این روز، روز اعتراض به در زندان نگه داشتن رهبران و فعالان کارگری و روز مبارزه برای آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی است. این روز، روز مبارزه علیه دستمزدهای زیر خط فقر و برای افزایش دستمزدها متناسب با خط رفاه و تامین یک زندگی انسانی است، این روز روز مبارزه برای آزادی ایجاد تشکل و اعتصاب، روز مبارزه علیه بیکاری و بیکارسازی ها، و روز مبارزه برای تامین بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران و کلیه افراد آماده به کار است؛ این روز مبارزه علیه تخریب محیط زیست و روز محکومیت کار کودکان و دفاع از حقوق کودک است؛ این روز صدور قطعنامه هایی است که در برگیرنده کلیه مطالبات سیاسی، اقتصادی اجتماعی و رفاهی کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و کودکان، می باشد.

کارگران در روز ۱۱ اردیبهشت، روز کارگر لازم است با صدای رسا اعلام کنند که از آنجا که هیچ یک از مطالبات اقتصادی و سیاسی کارگران و مردم ستمدیده ایران که سال ها برای آن مبارزه کرده اند تحت حاکمیت هیچکدام از جناح های حکومتی متحقق نخواهد شد، در نمایش انتخاباتی رژیم شرکت نمی کنند.

به پیشواز برگزاری هر چه با شکوه تر مراسم های اول ماه مه برویم و در این مراسم ها با صدور کیفرخواست مشترکمان علیه سرمایه، به سرمایه داران و رژیم اسلامی حامی آنان اعلام کنیم که هیچ وعده و وعید و امروز و فردا کردنی را نمی پذیریم. اعلام کنیم که امسال را با مبارزاتی متشکل تر و سازمان یافته تر و با بهره گیری از شیوه های مؤثرتر آغاز خواهیم کرد.

## چهره‌های ماندگار چنپیش کارگری - سوسیالیستی کولتای:

### تزهایی در باره‌ی اخلاق کمونیستی در روابط زناشویی

نوشته کولتای در تزهایی در باره اخلاق کمونیستی در روابط زناشویی در روزنامه زن، در سال ۱۹۲۱ در کمونیستکا (زن کمونیست) - خلاصه‌ای است از سخنرانی‌های وی در مسکو در دانشگاه سوردلف.



در شماره قبلی جهان امروز در معرفی کولتای به اطلاع رسیده بود که در این شماره «تزهایی درباره‌ی اخلاق کمونیستی در روابط زناشویی» درج می‌شود که ملاحظه می‌کنید.

### تزها:

- ۱ - خانواده و زناشویی یک پدیده تاریخی و موقت و وابسته به مناسبات اقتصادی است.
- ۲ - خانواده همانند مذهب و اخلاق و قوانین و... از ساختار و مناسبات تولیدی و اقتصادی جامعه بنیان می‌گیرد.
- ۳ - هر قدر که بیشترین وظایف تولیدی بر عهده خانواده گذاشته شود، نه بر عهده جامعه، روابط خانوادگی و زناشویی نیز به همان نسبت ثابت تر خواهد بود.
- ۴ - خانواده در اقتصاد طبیعی (پیشا سرمایه‌داری) از همین منجمد بودگی و مطلق برخورداری بود، زیرا در آن دوره خانواده واحدی بود منفرد. هم زمان، همانند یک واحد تولیدی و نیز مصرفی. و این ثابت به گذار به تجارت مبادله‌ای از دست می‌رود.
- ۵ - با این گذار به سرمایه‌داری، قید و بندهای زناشویی، خانوادگی سست می‌گردند.
- ۶ - زیر تاثیر سرمایه‌داری، سه عنصر اساسی، خانواده را تشکیل می‌دهد:
  - محاسبه اقتصادی یا مالی - پولی
  - وابستگی زن به مرد و نه به جامعه،
  - نگهداری و مراقبت از کودکان
- ۷ - در سرمایه‌داری، خانواده، یک واحد اقتصادی در شبکه‌های اقتصادی است. خانواده یک سلول اقتصادی است، یعنی که یا تولید کننده است یا مصرف کننده.
- اقتصاد فردی که از حق مالکیت خصوصی سرچشمه می‌گیرد اساس خانواده بورژوازی است.

### دگرگونی بزرگ در مرحله دیکتاتوری پرولتاریا

- ۸ - خانواده در اقتصاد کمونیستی، از سلول اقتصادی رها می‌شود. کلیه وظایف اقتصادی خانواده ناپدید می‌گردد. از تهیه غذا تا پخت و پز و شستشو و مراقبت از بچه و... نه تنها برای آنکه نامفیدند، بل که برای جامعه انسانی زیان آورند. مانند مصرف زیان آور و نا لازم هر چیز... مانند مصرف غیرمولد

رابطه بین پدر و کودک (نه از جنبه مادری)، تضمین بارداری، شیردهی، تربیت اجتماعی و...  
۱۴ - رابطه زناشویی، بین دو جنس مخالف، با رویکرد به دو مورد زیربرقرار می‌شود:  
الف: بهداشت و سلامتی جامعه.  
ب- افزایش یا کاهش جمعیت.  
۱۵ - نه مواد حقوقی [قانون] بلکه اتیک کمونیستی است که تنظیم کننده روابط بین زن و مرد در جامعه کارگری است. منافع فرزندان در دیکتاتوری پرولتاریا اعتبار خواهد یافت.

### کمونیسم و اخلاق زناشویی

۱۶ - در مناسبات تاریخی و اقتصادی، همراه با هر مرحله و دوران تولیدی تاریخی، زناشویی و اخلاق متناسب با آن دوران را پدید آورد.  
زیرا که هر طبقه‌ای نیز اخلاق ویژه خود را دارد. دروغ و ریا، اخلاق دوگانه (دوبل مورال)، اساس اخلاق (مورال) بورژوازی است.  
۱۷ - در مورد رابطه بین دو جنس مخالف، اخلاق کمونیستی باید پیش از هر چیز هرگونه ریا کاری و اخلاق دوگانه را از میان بردارد.  
۱۸ - رابطه جنسی بین دو نفر، بر مبنای بهداشت و تکامل همبستگی‌های روحی و معنوی است.  
کولتای بهداشت جمععی، سلامت جامعه را اصل می‌گیرد. نیاز جنسی را یک اصل طبیعی می‌شمارد که در آن زیاده روی را مردود می‌شمارد.  
جامعه‌ای سالم شرط اخلاق کمونیستی است.  
۱۹ - وضعیت روانی والدین بر کودکان تاثیر مستقیم می‌گذارد. بنابراین اتیک کمونیستی سلامت بشریت، آمیزش جنسی را که تنها با گرایش جسمی همراه باشد، محکوم می‌کند. این رابطه باید همراه با عشق و گرایش و دلباختگی باشد.  
از جمله دیگر نوشتارهای الکساندرا کولتای  
۱. ۱۹۰۰ مسئله کارگران در فنلاند.  
۲. ۱۹۰۸ زن و خانواده.  
۳. ۱۹۰۹ پایه‌های اجتماعی مسائل زنان.

نیروی کار، به ویژه نیروی کار زنان..  
۹ - در این گام، خانواده اهمیت اقتصادی اش را از دست می‌دهد. وابستگی زنان به مردان از بین می‌رود. کار زن، با پیدایش وظیفه کار عمومی ارزش مستقلی در جامعه می‌یابد. این کار زن، مستقل از رابطه خانوادگی و زناشویی وی می‌باشد و آزادانه و رها.  
۱۰ - مراقبت از کودکان و تمامی وظایف از خانواده به جامعه واگذار می‌شود.  
واحد خانوادگی به شکل زناشویی کنونی و والدین، ناپدید می‌شود.  
خانواده محدود می‌شود، و اشکال مختلف و نابرابر رابطه جنسی بین دو جنس مختلف نیز:

۱۱ - آیا کدام شکل زناشویی بهتر از هر شکل دیگری مطابق با منافع جامعه کارگری است؟ آیا در مرحله گذار از سرمایه‌داری به کمونیسم به چه شیوه‌ای باید باشد تا ویرانگر نبوده، برعکس جامعه را نیرومند سازد، و به این وسیله، بنای کمونیسم را آسان‌تر گرداند.  
حقوق نو و ارزش‌ها و اتیک‌های کمونیستی در این فرایند در حال شکل‌گیری است و...  
۱۲ - زناشویی وظایف اقتصادی - اجتماعی خانواده پیشین را از آن سلب کرده بود. این روند، در جامعه کارگری به شمار نخواهد آمد. نفس زناشویی، دیگر مهم نخواهد بود و نتیجه آن- کودکان اهمیت خواهند یافت. ضوابط شورایی کارگران، حقوق فی مابین زوجین را قانونی می‌داند و نه هیچ مرجع ویا سوم شخصی را.

۱۳ - حقوق نوین، باید ارتباط مادی مادری با منافع عمومی را تاکید کند. حقوق والدین مرسوم و سنتی در جامعه و مناسبات سرمایه‌داری، جای خود را به حقوق جامعه کارگری (سوسیالیستی) می‌سپارد. حق زناشویی جای خود را به تنظیم مستقیم رابطه‌ی حکومت کارگری با رابطه مادری یا رابطه مادر با کودک و جامعه کارگری می‌سپارد. حق پدری نباید از راه زناشویی ثبت شود (یعنی که پیوند زناشویی لازم به ازدواج نیست) بلکه با تنظیم مستقیم

## سرنوشت چپ و راست در انتخابات جاری در فرانسه



این جامعه از حاکمیت این احزاب است. روند دوم، برآمد نسبتاً سریع یک حرکت چپ در انتخابات روز یکشنبه فرانسه بود. ژان لوک ملانشون، از حزب چپ فرانسه با شعار "فرانسه نافرمان"، حدود بیست درصد آراء را به دست آورد که در واقع از آراء دیگر کاندیداها در دور اول انتخابات فاصله چندان زیادی ندارد. چه بسا می توانست حتی به دور دوم هم راه یابد. چنانچه به دور دوم راه می یافت، پیروزی او بر مارین لوپن راستگرای افراطی، تقریباً قطعی بود. در واقع ملانشون در یک قدمی ریاست جمهوری فرانسه قرار داشت. این حزب در سال ۲۰۰۹ ایجاد شده است و انشعابی از حزب سوسیالیست فرانسه و عکس العملی در مقابل راست رویهای این حزب بود.

آرائی که به نفع ملانشون به صندوقهای رای ریخته شد، نشانه آن است که بخشهای وسیعی از مردم فرانسه در جستجوی عدالت و آزادی هستند اما هنوز راه خود را نیافته اند و علی الحساب به جای بی تفاوتی سیاسی، به چنین جبهه ای می پیوندند. این پدیده در واقع ادامه گرایش به چپی است که در کنار میداننداری نیروهای راست میانه و راست افراطی، طی سالهای اخیر در کشورهای اروپائی سر بر آورده است.

واقعیت این است که شکست احزاب سنتی، و رو آمدن احزاب راست افراطی و احزاب چپ نظیر حزب چپ فرانسه، در دموکراسی های پارلمانی، هردو محصول بحران اقتصادی عمیقی هستند که جهان سرمایه داری از سال ۲۰۰۸ تا کنون در آن دست و پا می زند. به تبع این بحران است که سیستم سیاسی سنتی نیز در این کشورها بی اعتبار شده است. نارضایتی های موجود در این جوامع از یک سو موجب برآمد جریانهای راست افراطی نظیر ترامپ در آمریکا و مارین لوپن در فرانسه و "حزب آزادی" راستگرای افراطی در هلند و جاهای دیگر سوق پیدا میکند. و از سوی دیگر در کنار چرخش به راست رای دهندگان یک حرکت به سمت چپ نیز آغاز شده است. بارزترین نمونه آنرا در آراء "برنت ساندرز" در انتخابات ایالات متحده آمریکا دیدیم که با اتکاء به شعارهای چپ یک موقعیت استثنائی در انتخابات آمریکا در مقابل جریانهای راست میانه و راست افراطی به دست آورد. در سالهای اخیر سیریزا در یونان، حزب "پودموس" در اسپانیا، "چپ متحد" در اسلوانی و جبهه "کارگران کرواسی" را می توان در همین ردیف قرار داد. در همین دوره است که "جرمی کوربین" نماینده چنانچ چپ حزب کارگر انگلیس به ریاست این حزب می رسد. "حزب چپ فرانسه" ←

روز یکشنبه ۴ اردیبهشت دور اول انتخابات ریاست جمهوری در فرانسه انجام گرفت. در این دور امانوئل ماکرون نماینده لیبرال و میانه رو و مارین لوپن نامزد راست افراطی، به دور دوم راه یافتند. ماکرون بیست و سه و هفت دهم آراء و رقیب او مارین لوپن ۲۱ و ۳ دهم آراء به صندوق ریخته شده را بدست آورد. این دوتن روز ۷ ماه مه برای تعیین تکلیف نهائی با هم روبرو خواهند شد. میزان مشارکت در این مرحله انتخابات حدود ۷۰ درصد بوده است که نسبت به دوره قبل قدری کاهش یافته است. با توجه به نگرانی هائی که از پیروزی جریان راست افراطی در فرانسه وجود دارد، در دور دوم به احتمال قوی ائتلافی از نیروهای موسوم به چپ و راست میانه در پشتیبانی از ماکرون صورت خواهد گرفت و رئیس جمهور آینده فرانسه امانوئل ماکرون خواهد بود.

تا اینجای قضیه مسئله چندان غیر منتظره ای روی نداده است. چنین نتایجی را کم و بیش همه نظرسنجی ها پیش بینی کرده بودند. مسئله مهم و قابل بحث در انتخابات اخیر فرانسه، موقعیت بازندگان این دوره و بازنده دوره نهائی آن است. در این رابطه دو روند اصلی را به روشنی می توان مشاهده کرد:

روند نخست، این انتخابات در واقع نمایش شکست احزاب سنتی در دورن دموکراسی فرانسه بود. دو حزب اصلی و با سابقه فرانسه، یعنی "حزب جمهوری" و "حزب سوسیالیست"، که طی چند دهه اخیر همواره هرکدام به تناوب قدرت سیاسی در این کشور را در دست داشته اند، این بار نمایندگانشان در ته لیست قرار گرفتند. "بنوا آمون" نامزد حزب سوسیالیست شکست خود را "شکست فاحش تاریخی" برای چپ فرانسه خواند. این سرنوشت احزاب سنتی در سرتاسر اروپا و شاید جهان، در دموکراسی های پارلمانی است. آنها روز به روز بیشتر اعتماد رای دهندگان را از دست می دهند و یکی بعد از دیگری جای خود را به احزاب و جریان های دیگر که عمدتاً جدیداً ظهور کرده اند، می دهند. آرائی که به نفع حزب راست گرای افراطی "جبهه ملی" به رهبری مارین لوپن به صندوق ریخته شد، به نوبه خود نشانه سرخوردگی

۴. مجلد ۱ کارزار زنان برای رهایی اقتصادی. (نشر ۱۹۷۳)
۵. مجلد ۲ زن و خانواده (نشر ۱۹۷۶)
۶. مجلد ۳ کارزار زنان برای حقوق سیاسی (نشر ۱۹۷۹)
۷. ۱۹۱۴ به تمامی زنان سوسیالیست سراسر جهان.
۸. ۱۹۱۴ دفاع از سرزمین پدری یا همبستگی بین المللی؟
۹. ۱۹۲۱ خانواده و حکومت کارگری.
۱۰. ۱۹۲۱ اپوزیسیون کارگری حزب کمونیست روسیه: مبارزه برای دموکراسی کارگران در اتحاد شوروی.
۱۱. ۱۹۲۲ به زودی.
۱۲. ۱۹۲۳ یک گفتگوی شنودی.
۱۳. ۱۹۲۳ اخلاق نوین و طبقه کارگر.
۱۴. ۱۹۲۶ موقعیت زنان در توسعه اقتصادی جامعه.
۱۵. ۱۹۴۵ نخستین گام.
۱۶. رفیق عزیز!
۱۷. زندگانی زیادی را زندگی کرده ام.
۱۸. یادداشت های روزانه آلکساندرا کولنتای ۴۰-۱۹۳۰.
۱۹. رفتار سوسیالیست های روسی. مروری بر خیر، مارس ۱۹۱۶.
۲۰. عشق سرخ (رمان) نیویورک: ۱۹۲۷.
۲۱. عشق آزاد. لندن ۱۹۳۲.
۲۲. کمونیسم و خانواده.
۲۳. زندگانی نامه یک زن رها شده جنسی کمونیست.
۲۴. روابط جنسی و مبارزه طبقاتی، عشق و اخلاق نوین.
۲۵. مبارزه زنان کارگر برای حقوق خویش.
۲۶. روز جهانی زن.
۲۷. گزیده آثار آلکساندرا کولنتای.
۲۸. عشق زنبوران عسل کارگر. ۱۹۲۵.
۲۹. یک عشق عظیم (نوول).
۳۰. برگزیده نوشتارها و سخنرانی ها
۳۱. ضرورت های آلکساندرا کولنتای.
- (ترجمه و تنظیم - عباس منصوران)



## اطلاعیه کمیته مرکزی کومه له در محکوم کردن حمله هوایی ترکیه به اقلیم کردستان و روز آوا



ساعت ۲ بامداد روز سه شنبه ۶ اردیبهشت ماه برابر با ۲۵ ماه آوریل، هواپیماهای جنگی ارتش ترکیه حمله جنایتکارانه ای را به چند نقطه در اقلیم کردستان و مناطقی در کردستان سوریه انجام دادند. این حمله همزمان، بلندی های شنگال و قره چوک در اقلیم کردستان و چند آبادی از توابع شهرک دیرک در کردستان سوریه را هدف قرار داد. در جریان این حملات ۵ تن از پیشمرگان حکومت محلی کردستان و ۲۰ تن از مبارزین نیروهای سوریه دمکراتیک جان باختند. شماری از مردم بی دفاع و پیشمرگان و مبارزین کردستان سوریه نیز در جریان این حملات زخمی شدند.

دولت ترکیه گمان می کند که می تواند با اینگونه اعمال مردم کردستان را مرعوب کند و ناکامی های سیاسی خود در ترکیه، در سوریه و در همه خاورمیانه را با قدرت نمایی هایی از این نوع پنهان کند.

کمیته مرکزی کومه له این حمله وحشیانه را به شدت محکوم می کند و هم صدا با همه مردم آزادیخواه منطقه، خواهان پایان یافتن دست درازی های دولت اردوغان و حزیش علیه مردم کردستان است.

کمیته مرکزی کومه له  
سازمان کردستان حزب کمونیست ایران  
۷ اردیبهشت ۱۳۹۶  
۲۶ آوریل ۲۰۱۷ میلادی

نیز در همین لیست قرار می گیرد. اگرچه ژان لوک ملانشون در حزب چپ فرانسه به هیچ وجه این گرایش اجتماعی به چپ را نمایندگی نمی کند و آنچه را که در تبلیغات انتخاباتی خود بر آن تکیه می کرد از چهارچوب اصلاح همین سیستم موجود فراتر نمی رفت، و البته معلوم نیست که اگر پیروز هم می شد تا چه اندازه به همین وعده هایش هم پایبند می ماند، اما با همه اینها بالا رفتن موقعیت او در مقابل احزاب قدیمی و جان سخت فرانسه، ناشی از شعارهایی است که بوئی از سیاستهای رادیکال برده بودند. شعارهای چون: تغییر قانون اساسی به نفع دموکراتیک تر کردن آن، افزایش مالیات بر درآمد و تعدیل ثروت، خروج از ناتو، گسترش خدمات رفاهی، بهداشت و درمان کامل مجانی، افزایش دستمزدها، کاهش بیکاری و نظایر آن. تصادفی نبود اگر بسیاری از رسانه های جناح راست در فرانسه، ملانشون را به عنوان یک خطر جدی معرفی می کنند که می خواهد با برنامه های اقتصادی خود هزینه های عمومی را افزایش و پیمان فرانسه با متحدان قدرتمندش را سست کند.

بدون شک رویارویی چپ و راست در کشورهای پیشرفته سرمایه داری نظیر فرانسه از تقابل احزاب سیاسی چپ و راست موجود، فراتر خواهد رفت و تکلیف آینده سیاسی این جوامع در مبارزات طبقاتی سرنوشت سازتری تعیین خواهد شد. کاری چنین البته بزرگ از توان رهبری احزابی که امروز در راس جنبش چپ در این کشورها قرار گرفته اند، خارج است.

برگرفته از سخن روز  
تلویزیون حزب کمونیست ایران

نماینده کومه له در خارج کشور

K.K. P.O.Box75026  
750 26 Uppsala - Sweden  
Fax: 004686030981  
representation@komalah.org  
Tel: 0046 8 6030981

کمیته خارج کشور

0046-707 254 016  
kqh@cpiran.org

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 2018  
127 02 Skärholmen  
SWEDEN  
dabirxane.cpi@gmail.com

آدرس های

حزب کمونیست

ایران و کومه له